

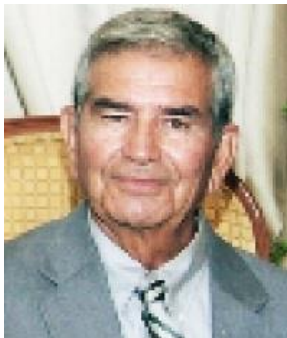


۲۰۱۷/۰۸/۰۷

داکتر سخی اشرف زی

## تغییر نظام سیاسی، "آب در آوان کوبیدن است"

چند روز قبل خبری جنجال بر انگیز به بی بی سی فارسی نشر شد که یک عضو محافظه کار پارلمان انگلستان به نام توبیس الیوود برای حل بحران افغانستان یک طرحی را به نام **طرح سی** پیشنهاد نمود که افغانستان بایست به هشت



منطقه تقسیم شود و برخی از این مناطق تحت تصرف طالبان و ملا صاحبان طوطی خصال اداره شود و این طرح را این عضو پارلمان انگلستان برای جست و جوی یک راه حل سیاسی برای افغانستان به ولیام هیگ وزیر خارجه انگلیس ارائه نمود و وزیر خارجه انگلیس «طرح سی» عضو پارلمان انگلیس را با مقامات قصر سفید در واشنگتن نیز به بحث و گفتگو کشیده است.

نشر این طرح بی اساس توسط یک نماینده پارلمان انگلیس نه تنها کدر رهبری و دستگاه اداری افغانستان را بر آشفته ساخت بل برای اتباع عادی افغان که در داخل و خارج از وطن به سر می برند آنرا اهانت به هویت افغان دانستند و این نظر را دخالت آشکار سیاسی در امور داخلی افغانستان که مخالف شئون سیاسی و اجتماعی کشور می دانند و دستگاه اداری کشور این ادعای یک انگلیس را رسماً یک ادعای احمقانه خواند که واقعاً کدر اداری کشور خیلی بجا و جواب این بی حرمتی را توسط مقامات رسمی ارائه داد.

طرح سی یک هدف نا فرجام و درد ناک برای همه افغان ها است و این طرح به هیچ وجه قابل قبول افغان ها نیست و از این سبب در نشرات داخلی کشورچندان بازتاب گسترده نداشت و بکلی به این راپور مغرضانه اعتنا نشد. باز هم توضیح نشده که هدف از تقسیمات کشور به هشت منطقه یک تقسیمات اداری بود و یا تقسیمات سیاسی، اگر هدف از این طرح تقسیمات اداری بوده باشد که طرح یک سیستم فدرالی را افاده میکند و تقسیمات اداری کشور به سیستم فدرالی و سیستم متمرکز نظر نوی نیست و از چندی به این طرف است که بعضی از نمایندگان مجلس و هم چنان نویسندگان نام آشنا کشور از طرح سیستم فدرالی و برخی دیگر از نظام ریاستی حمایت میکنند، بایست تذکر داد که آوردن تغییر از سیستم ریاستی به سیستم پارلمانی روشی است دشوار و مشروط به موافقه دو بر سوم نمایندگان پارلمان است که ماده قانون اساسی را تغییر دهند و به صحنه رئیس جمهور وقت برسد.

چندی قبل در مطبوعات کشور بحث های آتشین در مورد سیستم فدرالی و سیستم اداره مرکزی کشور مشتعل شد و طرفداران و مخالفان سیستم فدرالی و سیستم متمرکز هر یک نظریات و اهداف خود را توسط مصاحبه ها نشرات صوتی و چاپی ارائه نموده اند و از قلم این نویسنده نیز مقاله ای در مورد تفکیک و همچنان مزایا و نواقص سیستم

فدرالی و سیستم مرکزی در ویب سایت های افغانی تحت عنوان "ساختار سیاسی و ناتوانی در ارکان رهبران اداری" به نشر رسید که در صفحه آرشیف اکثر ویب سایت های کشور درج است.

اما اگر هدف این عضو پارلمان انگلستان یا امریکا تقسیمات سیاسی افغانستان باشد که البته مفهوم تجزیه افغانستان را افاده می کند برای هر افغان این ادعای بی اساس غیر قابل قبول است، و در طول تاریخ با وجود مشکلات سیاسی، اقتصادی و اداری که کشور ما از مدت دو صد و پنجاه سال به این طرف است دست و پنجه نرم می کند هیچ افغان حاضر به تجزیه کشور شان نیست و هیچ یک کشور در جهان و یا هیچ یک گروهی را ملت افغان حق نمی دهد که راجع به سرنوشت سیاسی کشور شان که سرانجام به تجزیه افغانستان منجر شود طرخی را ارائه کند و ملت افغان با یک متانت و شجاعت از اتحاد و یک پارچگی کشور همیشه دفاع کرده و دفاع خواهند نمود. اما در مورد تغییر نظام پارلمانی و یا نظام ریاستی بایست اظهار داشت که این حق خود افغان ها است که سرنوشت سیاسی آینده کشور شان را تعیین کنند چون افغانستان در یک حالت اضطراری و جنگ با طالبان که از جانب کرنیل و جرنیل های لجوج پاکستان حمایه می شوند به سر می برد لازم است که به منظور مصالح همگانی کشور تغییر نظام قبل از وقت است که ما راجع به تغییر در سیستم اداری کشور که همانا سیستم فدرال و متمرکز است جار و جنجال سیاسی را راه اندازی کنیم و از این نوع مشاجرات سیاسی دشمنان وطن بخصوص طالبان و حمایه کننده این گروه تحجر گراه یعنی پاکستان بهره برداری سیاسی خواهند نمود و کشور را به سوی تجزیه خواهند کشانید. اگر در کشور استقرار سیاسی رونما شود و یک حکومت جدید که نمایندگی از همه اقشار کشور کرده بتواند و کدر اداری آینده کشور به شکل دموکراتیک انتخاب گردد و جنبش طالبان جنایت کار از بین برود در آنوقت لازم است که راجع به تغییر نظام سیاسی که سیستم مرکزی و یا فدرالی باشد اقدام خواهد شد.

نظر بیاندازیم به دو کشور همسایه پاکستان و هندوستان، هر دو کشور از سیستم پارلمانی پیروی می کنند و دارای نظام فدرالی اند ولی در پاکستان نظام فدرالی به "کاریکاتور پارلمانی" تبدیل شده و کشور را به بدبختی و نابسامانی سیاسی سوق داده ولی نظام پارلمانی هندوستان با وجود پروبلم های بزرگ اجتماعی، اقتصادی و ازدیاد نفوس و صدها مشکل دیگر به سوی پیشرفت و ترقی کشانیده شده است که دنیا از سیستم سیاسی هند تمجید و کشور هند را بزرگترین کشور دموکراسی دنیا نام گذاری نموده اند. سؤال اینجاست که چرا سیستم پارلمانی و نظام فدرالی در هند نتیجه مثبت داد و برعکس پاکستان را به ذلت سیاسی گرفتار نمود که جواب آنرا می توان در طرز تفکر و ذهنیت سیاسی هر دو کشور یافت.

مشکل ما در افغانستان در ساختار یک سیستم سیاسی نیست بلکه مشکل ما در نبود ذهنیت سیاسی و مزید بر آن بی سوادی، تعصب، تحجرگرائی، فقر، جنگ، قوم گرائی و بالاخره فرقه گرائی و قبیله گرائی است.

پایان

با سپاس و تشکر از وبسایت "وطندار" و جناب داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ صاحب امتیاز و مدیر مسؤل آن